مجله اقتصادی - ماهنامه بررسی مسائل و سیاست‌های اقتصادی
شماره‌های ۵ و ٦، مرداد و شهریور ۱۳۹۰، صفحات ٤٠ - ۲۹

قرض‌الحسنه ونقش آن در رفع نیازهای اجتماعی و اقتصادی

مریم یزدانی[۱]

آنچه در این مقاله به آن پرداخته شده است، تبیین قرض‌الحسنه و نقش آن در رفع نیازهای اجتماعی و اقتصادی افراد می‌باشد. قرض‌الحسنه به عنوان یک رفتار اقتصادی که برگرفته از حاکمیت ارزش‌های اسلامی است و از انگیزه‌های معنوی و اخروی آحاد مردم مسلمان به پا خاسته است چندی است که مورد توجه قرار گرفته است؛ اما آنچه از ظاهر برخی روایات برمی‌آید این است که قرض‌گرفتن امر ناپسندی است مگر اینکه در جهت رفع یکی از نیازهای ضروری انسان استفاده گردد. بنابراین، دو نکته اصلی قرض‌الحسنه یعنی داشتن انگیزه معنوی برای قرض‌دهنده و نیز صرف آن در جهت رفع نیازهای ضروری قرض‌گیرنده آشکار می‌گردد. در ادامه، این مقاله به تشریح و تأثیر نهاد قرض‌الحسنه بر متغیرهای مهم اقتصادی پرداخته شده است که می‌توان به اختصار به بررسی نقش قرض‌الحسنه بر مصرف، پس‌انداز، خلق پول و سایر متغیرهای اقتصادی اشاره نمود که از بارزترین آثار مثبت قرض‌الحسنه بر متغیرهای اقتصادی اثر آن بر پس‌انداز می‌باشد که تأمین امنیت اقتصادی را در بر دارد. بنابراین، در نهاد قرض‌الحسنه تکیه اصلی بر همه مردم و مشارکت جدی آنان در حل نیازهای اجتماعی و اقتصادی افراد است که با نظارت، هدایت و حمایت حکومت اسلامی می‌توانند گام مؤثری در موفقیت این نهاد بردارند.

واژه‌های کلیدی: قرض‌الحسنه، قرض‌دهندگان، وام‌گیرندگان، ارزش‌های‌اسلامی، نیازهای اجتماعی، متغیرهای اقتصادی.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

۱. کارشناس ارشد مدیریت دولتی. yazdani.maryam@gmail.com

۱. مقدمه

نظام اقتصادی اسلام برای مقابله با رباخواری شیوه‌ای جایگزین نموده تا کسانی که توانایی بازپرداخت سود را ندارند بتوانند از عهده آن برآیند. در این شیوه که پاداش اخروی مدنظر می‌باشد تلاش شده است تا نابرابری‌های درآمدی از بین برود. بنابراین، نظام اقتصادی اسلام نهاد قرض‌الحسنه را به عنوان یکی از شیوه‌ها و ابزارهای مؤثر برای کاهش نابرابری‌توزیع درآمدها قرار داده است. قرض‌الحسنه‌ای که از آن به وام نیکو تعبیر شده است و در قرآن و روایات تأکید فراوانی به آن شده است و هدف از برقراری این نهاد رفع نیازهای اساسی افراد می‌باشد تا با فراهم‌نمودن شرایط و ابزارهای مناسب بتوان در جهت گردآوری وجوه و دادن قرض‌الحسنه به نیازمندان گام برداشت.

۲. مفهوم قرض‌الحسنه

قرض در لغت به معنای قطع کردن با دندان است و زمانی که گفته می‌شود فردی به فرد دیگر قرض داده است یعنی مالی را که او می‌طلبد از خود جدا نموده و به او عطا کرده است (طبرسی، ۱۴۰۸). در اصطلاح فقهی قرض به معنای این است که کسی مال خود را به دیگری تملیک کند، البته به این صورت که قرض‌گیرنده نسبت به ادای خود آن مال یا مانند آن و یا قیمت آن ضامن شود و تعهد نماید (امام‌خمینی). و اما قرض ربوی قرضی است که در آن زیاده شرط شده باشد و در اسلام چنین قرضی جایز نیست (هادوی‌نیا، ۱۳۸۰)، زیرا ربا محسوب شده و دادن آن حرام است. مکتب اقتصادی اسلام برای جلوگیری از شیوع چنین عمل ناپسندی، قرض‌الحسنه را به عنوان بهترین روش جایگزین برای ربا جهت استفاده افرادی که توانایی بازپرداخت سود را ندارند درنظر گرفته است تا ثروتمندان با درنظرگرفتن پاداش معنوی قرض‌الحسنه داوطلبانه به انجام آن اقدام نمایند (محمدغفاری، ۱۳۸۵).

قرض‌الحسنه از عقود معوضه است که به واسطه آن مالی از ملکیت قرض‌دهنده خارج و به قرض‌گیرنده منتقل می‌شود و در مقابل، ذمه قرض‌گیرنده به بازپرداخت عین یا مثل یا قیمت آن مال مشغول می‌شود (حبیبیان نقیبی، ۱۳۸۱). قرض‌الحسنه همان وام نیکو است که قرآن از آن در آیات گوناگون یاد نموده است[1] و مقصود از قرض‌الحسنه دادن به خدا، صدقه‌ای است که با نیت پاک و صرفاً به خاطر خدا داده شود و می‌توان گفت که همه اعمال نیک اعم از بدنی و مالی قرض‌الحسنه‌ای هستند که به خدا تحویل داده می‌شوند و او در مقابل پاداش خواهد داد (قرشی، ۱۳۵۳).

---

۱. سوره مائده آیه ۱۲، سوره بقره آیه ۲۴۵، سوره حدید آیه ۱۸، سوره تغابن آیه ۱۷.

نظام اقتصادی اسلام توجه ویژه‌ای به قرض‌الحسنه دارد و مردم را به دادن قرض‌الحسنه تشویق می‌کند. چنانچه مسلمانان بصورت اختیاری و بدون توقع هیچ سودی اقدام به انجام آن کنند از دامنه فقر کاسته شده و به توازن اقتصادی و توزیع عادلانه درآمدها نزدیکتر می‌شویم (محمدغفاری، ۱۳۸۵).

۳. ویژگی‌های نهاد قرض‌الحسنه

باید توجه داشت که پرداخت قرض‌الحسنه برخاسته از تعالیم اسلام است و غیردولتی بودن نهاد قرض‌الحسنه در پرهیز از تحمیل بار بر دوش دولت و ایجاد زمینه مساعد جهت شکل‌گیری انگیزه‌های معنوی و در نتیجه انعقاد بستر مناسب برای تحقق این رفتار نقش مهمی دارد . بنابراین، در این نهاد ابزارهایی می‌توانند کارایی لازم را داشته باشند که با چهار عنصر انگیزه معنوی و اخروی وام‌دهنده، نیازمندبودن وام‌گیرنده، تضمین بازپرداخت وام و غیردولتی بودن بیشتر سازگار و هماهنگ باشند (هادوی‌نیا، ۱۳۸۰).

۳-۱. انگیزه‌های احتمالی قرض‌دهنده

انگیزه‌های احتمالی قرض‌دهنده عبارتند از پاداش اخروی، کسب اخلاق پسندیده (دوری از بخل)، تعاون و هم‌یاری، پس‌انداز و کسب جایزه.

انگیزه نخست صرفاً اخروی و انگیزه دوم و سوم معنوی و انگیزه چهارم و پنجم صرفاً مادی است، اما در مورد قرض‌گیرنده باید گفت که قرض‌گرفتن یک امر ناپسند است مگر آنکه در جهت رفع یکی از نیازهای ضروری از آن استفاده شود. با توجه به مطالب فوق، دو مشخصه مهم قرض‌الحسنه یعنی داشتن انگیزه معنوی یا اخروی برای قرض‌دهنده و نیز صرف آن در جهت رفع نیازهای ضروری قرض‌گیرنده نمایان می‌شود (کمیجانی و هادوی‌نیا، ۱۳۷۷). مسئله دیگری که قرض را از قرض‌الحسنه متمایز می‌سازد، نهی اخذ هرگونه مبلغی فراتر از اصل مال در قرض‌الحسنه می‌باشد (میرمعزی، ۱۳۷۷).

با توجه به اینکه قرض‌دهنده برای مدتی از تصرف مال خود چشم‌پوشی می‌کند و در مقابل نیز توقع دریافت هیچ سودی را ندارد این رفتار اقتصادی شکل می‌گیرد مگر اینکه قرض‌گیرنده هنگام پرداخت قرض به اختیار و رضایت خود مبلغی اضافه بر آنچه قرض گرفته را بپردازد، اما اگر

قرض‌دهنده در هنگام پرداخت قرض چنین شرطی را بگذارد ربا محسوب شده و در شریعت دینی حرام است.

۴. آداب قرض‌الحسنه

آداب قرض‌الحسنه که معمولاً شامل مستحبات و مکروهات این رفتار می‌باشد نقش تعیین‌کننده‌ای در شکل‌گیری فرهنگ قرض‌الحسنه دارد که شامل این موارد می‌باشد: ۱. زمان انعقاد قرارداد: قرض‌گیرنده نباید نیت عدم بازپرداخت را داشته باشد بنابراین برای جلوگیری از هرگونه اختلاف احتمالی باید در هنگام انعقاد قرارداد سند مکتوبی تهیه شود تا در صورت نزاع، ملاک قضاوت قرار گیرد. ۲. هنگام بازپرداخت: در اسلام نسبت به ادای فوری دین تأکید فراوان شده است. در مطالبه دین اگر وام‌گیرنده توانایی پرداخت نداشته باشد، وام‌دهنده باید نسبت به تمدید مهلت پرداخت وام اقدام نماید و یا برای ادای قرض به دولت اسلامی رجوع گردد. درنهایت، اگر قرض‌گیرنده توانایی پرداخت داشته باشد می‌بایست بازپرداخت را به صورت نیکوتری انجام دهد (هادوی‌نیا، ۱۳۷۸).

با وجود چنین فرهنگی در زمینه قرض‌الحسنه یکی از عمده‌ترین مشکلات قرض‌الحسنه یعنی عدم اطمینان قرض‌دهندگان در مورد بازپرداخت دیون خود از بین می‌رود.

۵. جایگاه قرض‌الحسنه

ظهور و بروز هر رفتاری از جمله رفتارهای اقتصادی ناشی از انگیزه‌های درونی انسان‌ها می‌باشد و جایگاه هر رفتار در مقایسه با سایر امور مشابه آشکار می‌گردد. از این رو، برای تبیین قرض‌الحسنه، رفتارهای اقتصادی موردنظر را از دیدگاه عرضه‌کنندگان و متقاضیان وجوه به صورت مستقل بررسی می‌کنیم.

• از منظر عرضه‌کنندگان وجوه که می‌توان رفتارهای اقتصادی را به دو گروه تقسیم کرد: رفتارهایی که به انگیزه سود ابراز می‌شوند مانند بیع (خرید و فروش)، اجاره، مشارکت، مضاربه و ...، رفتارهایی که ایثار عامل اصلی تحقق آن است مانند انفاق، صدقه، وقف، هبه، عاریه، قرض‌الحسنه و ...

قرض‌الحسنه با رفتارهای نوع اول تفاوت جوهری دارد، زیرا در بیع مالی با مال دیگر مبادله می‌شود و طرفین تلاش دارند تا مالی را که به دست می‌آورند ارزش آن بیشتر از آنچه که از دست می‌دهند، باشد یا گرچه در قرض‌الحسنه و اجاره طرف مقابل را بر مال خود مسلط می‌کنند تا از

منافع آن استفاده نماید و به همین دلیل در فرانسه، مقرض را مؤجرالنقود[1] می‌نامند، اما تفاوت آنها ذاتی است، زیرا در اجاره مؤجر نه تنها مال را از ملکیت خود خارج نمی‌کند، بلکه به انگیزه دریافت حق‌الاجاره به این رفتار اقتصادی دست می‌زند، اما در قرض‌الحسنه مال را به ملکیت مقترض در می‌آورد و در آینده عین مال یا مثل یا قیمت آن را طالب است بدون اینکه بدنبال دریافت سودی باشد. همچنین، قرض‌الحسنه با مشارکت، مضاربه و ... نیز تفاوت دارد، زیرا انگیزه اصلی در تمام این قراردادها بهره‌مندی از سود بیشتر (حداقل در دید طرفین قرارداد) است، اما در قرض‌الحسنه چنین نیست زیرا ماهیت آن را عوض کرده و به معامله ربوی تبدیل می‌کند.

در خصوص قرض‌الحسنه و رفتارهای نوع دوم نیز می‌توان چنین گفت که عرضه‌کنندگان صدقه و انفاق نه تنها بدنبال سود نیستند، بلکه از اصل نیز در راه ارزش‌ها و اعتقادات خویش صرف‌نظر می‌نمایند که با این کار موجب رفع نیازهای بسیاری از نیازمندان جامعه می‌گردند و هرچه حاکمیت ارزش‌های اخلاقی در آن جامعه بیشتر باشد، تحقق این رفتار بیشتر است. قرض نیز مانند صدقه، انفاق وهبه غیرمعوضه[2] وسیله‌ای برای تعاون اجتماعی و رفع نیازهای افراد است. عاریه نیز رفتاری شبیه قرض‌الحسنه دارد که به موجب آن احد از طرفین به طرف دیگر اجازه می‌دهد که از عین مال او مجانا منتفع شود (ماده ۶۳۵) با این تفاوت که در قرض‌الحسنه مقترض می‌بایست در پایان مهلت مقرر عین یا مثل یا قیمت آنرا بپردازد، اما در عاریه مال به عاریه‌گیرنده تسلیم می‌شود تا از آن منتفع گردد و در وقت مقرر عین آن را پس دهد. بنابراین، انتقال آن با بقای عین (و نه تغییر آن) ممکن است.

• از منظر متقاضیان وجوه که می‌توان به سه گروه کلی تقسیم کرد: کسانی که علاوه بر اصل پول توانایی بازپرداخت سهمی از سود حاصله را نیز دارند که این افراد اغلب از وضعیت درآمدی خوبی برخوردارند و معمولاً این تسهیلات را در سرمایه‌گذاری‌های متوسط و بزرگ بکار می‌برند تا همچون مشارکت و مضاربه بدنبال کسب سود بیشتر باشند، کسانی که صرفاً توانایی بازپرداخت اصل پول را دارا هستند که این افراد اغلب برای نیازهای مصرفی و سرمایه‌گذاری‌های کوچک تولیدی و خدماتی به این تسهیلات نیازمندند و کسانی که نه تنها توانایی بازپرداخت سود را ندارند، بلکه نمی‌توانند اصل پول را نیز بازگردانند که برای این افراد نیز انفاقات واجب (زکات و ...) و مستحب (صدقات مستحب و ...) تأکید شده است.

---

1. Bailleur de Dounds

۲. هبه غیرمعوضه (بخشش بدون عوض) نیز رفتاری شبیه به صدقه و انفاق می‌باشد که در آن اعطاءکننده علاوه بر سود از اصل مال صرف نظر می‌کند.

بنابراین، می‌توان نتیجه گرفت که قرض‌الحسنه با رفتارهای گروه اول (مشارکت، مضاربه و...) سازگاری ندارد، زیرا قرض‌الحسنه ناظر به رفع نیازهای تسهیلاتی گروه اول نیست و با پایبندی متقاضیان به احکام اسلامی این گروه در زمره متقاضیان قرض‌الحسنه قرار نمی‌گیرند، همچنین انفاقات و صدقات واجب و مستحب مختص کسانی است که توانایی بازپرداخت اصل مال را ندارند. با تقویت اعتقادات و شفاف‌شدن اطلاعات می‌توان متقاضیان واقعی این نوع تسهیلات را از سایرین جدا نمود و دیگران را با توجه به وضعیت آنان به سوی قرض‌الحسنه یا مشارکت، مضاربه و ... هدایت نمود (حبیبیان‌نقیبی، ۱۳۸۱).

باید به این نکته نیز توجه کرد که منزلت قرض‌الحسنه بیشتر از راه‌های دیگر چون انفاق و صدقه است، زیرا قرض‌الحسنه به دست نیازمند واقعی می‌رسد و موجب تلاش و کار بیشتر قرض‌گیرنده می‌گردد. اما در صدقه و انفاق این جنبه سازندگی و تربیت نفوس کم‌رنگتر می‌گردد زیرا گیرنده صدقه و انفاق الزامی به پس‌دادن موضوع مورد انفاق و صدقه ندارد. اما در قرض‌الحسنه، قرض‌گیرنده ملزم به بازپرداخت قرض می‌باشد (حیدری‌خراسانی و صالحی‌نژاد، ۱۳۸۳).

۶. آثار قرض‌الحسنه

تشریح و تأثیر نهاد قرض‌الحسنه بر متغیرهای مهم اقتصادی به وضوح اهمیت آن را بیان خواهد کرد. از این رو، این قسمت از نوشتار به اختصار به بررسی نقش قرض‌الحسنه بر مصرف، پس‌انداز، خلق پول و سایر متغیرهای اقتصادی اختصاص یافته است.

۶-۱. قرض‌الحسنه و مصرف

عوامل متعددی بر مصرف تأثیر دارند که می‌توان به درآمد قابل تصرف جاری، ثروت، درآمد دائمی، توزیع درآمد، نرخ بهره، سطح قیمت‌ها، انتظارات، تسهیل اعتبارات مصرفی و ... اشاره کرد. همچنین ثروت، درآمد دائمی و توزیع درآمد از مهم‌ترین این عوامل می‌باشد. البته درآمد قابل تصرف جاری، ثروت، درآمد دائمی، توزیع مناسب درآمدها و تسهیل اعتبارات مصرفی، رابطه مستقیم و نرخ بهره و سطح قیمت‌ها رابطه معکوسی با مصرف دارند؛ بنابراین تأثیر مثبت (یا منفی) قرض‌الحسنه بر عوامل نوع اول موجب افزایش (یا کاهش) مصرف و اثر مستقیم (یا معکوس) آن بر عوامل نوع دوم موجب کاهش (یا افزایش) مصرف خواهد شد.

دریافت‌کنندگان قرض پس از دریافت قرض‌الحسنه مصرف جاریشان بطور مقطعی افزایش می‌یابد، اما در ماه‌های بعد به دلیل بازپرداخت وام میزان مصرف آنها کاهش می‌یابد و در مجموع مصرف حال و آینده آنها به واسطه قرض‌الحسنه تغییر نمی‌کند. این موضوع زمانی صحیح خواهد بود که دریافت‌کننده وام مجبور به تلاش بیشتر برای کسب درآمد بیشتر در دوره‌های بعدی نگردد که اگر غیر از این عمل نماید یا از طرق دیگری درآمد خود را در دوره‌های بعد افزایش دهد انتظار می‌رود که وام‌های قرض‌الحسنه افزایش مصرف را در پی داشته باشد (حبیبیان‌نقیبی، ۱۳۸۱).

اقتصاددانان این حقیقت را که ثروت بیشتر مصرف بیشتر می‌طلبد، اثر ثروت می‌نامند. به طور طبیعی ثروت از سالی به سال دیگر تغییر عمده‌ای نمی‌کند. بنابراین، اثر ثروت در بلندمدت ظاهر می‌گردد (پائول و ویلیام، ۱۹۹۱). درآمد دائمی عبارت از میزان باثباتی از مصرف است که شخص باتوجه به سطح ثروت جاری و درآمدی که اکنون و در آینده کسب می‌کند می‌تواند برای بقیه زندگی خود حفظ نماید. فرضیه درآمد دائمی فریدمن اینگونه بیان می‌دارد که اگر تغییر درآمد همیشگی محسوب نشود (مانند افزایش حقوق) به طور معمولی مردم نسبت بزرگی از افزایش درآمد را مصرف می‌کنند. از سوی دیگر، اگر تغییر درآمد موقتی محسوب شود (مثلاً به عنوان پاداش باشد) نسبت مهمی از تغییر درآمد پس‌انداز می‌شود. این پس‌انداز می‌تواند به صورت خرید کالاهای مصرفی بادوام که بخشی از موجودی ثروت خانوارها به شمار می‌آید (دورنبوش و فیشر به نقل از کمیجانی و هادوی‌نیا، ۱۳۷۱) صورت پذیرد. در خصوص توزیع درآمد نیز باید ذکر شود که تأثیر تعدیل در توزیع درآمد بر افزایش مصرف از طریق انتقال تابع مصرف یک امر کلی نمی‌باشد بلکه به شیوه توزیع مجدد درآمد بستگی دارد (اخوی، ۱۳۷۴). اگر توزیع مجدد درآمد از طریق کمک‌های بلاعوض باشد تحقق چنین انتقالی انتظار می‌رود، اما اگر از طریق وام و ایجاد بدهی باشد با توجه به تلاش قرض‌گیرنده برای رهایی از بدهی احتمالاً تأثیر زیادی بر مصرف کل نخواهد داشت (کمیجانی و هادوی‌نیا، ۱۳۷۷).

۶-۱-۱. اثر قرض بر توزیع درآمد

نگاهی به توزیع درآمد در نظام سرمایه‌داری نشان می‌دهد که این توزیع درآمد در دو مکانیزم صورت می‌گیرد:

– مکانیزم بازار که سهم هر یک از سرمایه، کار و زمین به عنوان عوامل اساسی تولید از طریق عرضه و تقاضای آن در بازار تعیین می‌شود.

– مکانیزم غیربازار که عدم تعادل‌های ناشی از مکانیزم بازار دولت‌ها را ناچار به مداخله از طریق توزیع مجدد درآمدها می‌نمود.

توزیع مجدد درآمدها موجب انتقال بخشی از درآمدهای اخذشده در دو جهت عمودی و افقی می‌شود. توزیع مجدد درآمدها در جهت عمودی انتقال بخشی از درآمد طبقات ثروتمند به طبقات کم‌درآمد است، اما توزیع مجدد در جهت افقی در داخل خود گروه‌های اجتماعی کم‌درآمد صورت می‌گیرد. برای اینکه توزیع مجدد درآمد دارای آثار مثبتی باشد لازم است که منجر به انتقال واقعی قدرت خرید به گروه‌های کم‌درآمد و خرج آن در داخل اقتصاد ملی گردد و نیز عرضه محصولات مورد تقاضا دارای کشش‌پذیری لازم بوده باشد تا موجب افزایش قیمت نگردد. همچنین، توزیع مجدد درآمد نباید سبب انتقال اختیارات درآمد و ثروت افراد به دولت شود بلکه باید وسیله تأمین هزینه استهلاک نیروی‌انسانی و بهبود کارایی آن و رفاه گروه‌های کم‌درآمد گردد. به طور کلی، اجرای سیاست‌های توزیع مجدد درآمد تحت شرایط فوق همیشه مفید و مؤثر و در جهت عدالت اجتماعی خواهد بود (منتظرظهور، ۱۳۶۷).

اسلام بر خلاف نظام سرمایه‌داری که دلیل اصلی مشکلات اقتصادی را محدودبودن منابع طبیعی از یک سو و نیازهای متنوع انسان از سوی دیگر می‌داند، ریشه اساسی مشکلات مزبور را توزیع ناعادلانه و سهل‌انگاری در استفاده صحیح از منابع طبیعی می‌داند (نمازی، ۱۳۷۴). به همین دلیل، نظام اقتصادی اسلام به توزیع درآمد در تمام مراحلش (قبل از تولید، بعد از تولید و توزیع مجدد) برای رفع این مشکلات اهمیت داده است (کمیجانی و هادوی‌نیا، ۱۳۷۷). از این رو، نظام اقتصادی اسلام قرض‌الحسنه را به عنوان یکی از شیوه‌ها و ابزارهای مؤثر برای کاهش نابرابری توزیع درآمد در نظر گرفته است که با برقراری جریان پول از طبقات ثروتمند به سمت طبقات کم‌درآمد و ایجاد زمینه تغییر الگوی تولید، افزایش اشتغال و تأمین نیازهای ضروری طبقات مزبور می‌تواند در جهت تثبیت درآمدها بین نیازمندان و عدم تمرکز ثروت نقش فعالی داشته باشد.

۶-۲. قرض‌الحسنه و پس‌انداز

پس‌انداز در واقع ترجیح فایده نهایی مصرف و قدرت خرید آینده به حال است. یا می‌توان به تأخیر مصرف از حال به آینده تعبیر کرد. بنابراین، پیش‌بینی افراد از آینده و در واقع میزان بازدهی پس‌انداز در آینده بر این رفتار بسیار مؤثر است. اگرچه در علم اقتصاد متعارف بازدهی مادی مدنظر

قرار می‌گیرد، اما در جامعه‌اسلامی و در رفتار فرد مسلمان بازدهی معنوی و اخروی می‌تواند از عوامل مؤثر در تصمیم‌گیری‌ها باشد (حبیبیان‌نقیبی، ۱۳۸۱).

فرد مسلمان درآمد قابل تصرف را به مصرف حال (مصرف شخصی، صدقات، انفاقات و...) و پس‌انداز تقسیم می‌کند و چون قرض ربوی حرام است پس‌انداز را نیز به دو قسم می‌کند: قرض‌الحسنه (پس‌انداز در مؤسسه‌های قرض‌الحسنه و ...)، سرمایه‌گذاری در مشارکت و ... برای کسب سود. البته پس‌انداز می‌تواند بصورت قراردادی یا تعهدی (مانند اقساط بیمه عمر)؛ افزایش دارایی‌های نقدی (مانند سپرده‌گذاری در بانک‌ها)؛ سرمایه‌گذاری مستقیم در لوازم کسب و کار و تصفیه تعهدات یا پرداخت دیون صورت گیرد (رادمنش، ۱۳۴۳). از آنجایی که در متون اسلامی ثواب بسیاری برای قرض‌الحسنه ذکر شده است، انتظار اختصاص بخشی از پس‌انداز به این عمل پسندیده خلاف واقع نیست. اگر وام‌گیرنده این وجوه را در سرمایه‌گذاری بکار اندازد یا آن را صرف خرید کالاهای بادوام نماید، از پس‌انداز کل کاسته نمی‌شود، اما اگر آن را در خرید کالاهای مصرفی بی‌دوام هزینه کند، از پس‌انداز کل به نفع مصرف کل جامعه کاسته می‌شود.

باید توجه داشت که نتایج حاصل از گسترش قرض‌الحسنه علاوه بر اینکه باعث تثبیت تقاضا می‌گردد، انگیزه‌ها برای سرمایه‌گذاری بیشتر در تولید کالاهای ضروری را افزایش می‌دهد (راهب، ۱۳۷۷).

همچنین، اگر صاحبان وجوه در مراکز متکفل قرض‌الحسنه پس‌انداز نمایند، در صورتی که این تسهیلات صرفاً برای امور تولید به متقاضیان قرض داده شود، میزان پس‌انداز کل جامعه تغییر نمی‌کند، اما از آنجایی که بخشی از این وجوه به متقاضیانی اختصاص می‌یابد که نیاز مصرفی دارند می‌توان نتیجه گرفت که قرض‌الحسنه از میزان پس‌انداز کل به نفع مصرف کل می‌کاهد (حبیبیان‌نقیبی، ۱۳۸۱).

از مزایای قرض‌الحسنه به عنوان یک منبع پس‌انداز می توان موارد ذیل را برشمرد:

– تحقق نیافتن هیچ‌گونه نشستی در اقتصاد توسط قرض‌الحسنه (به دلیل معیار نیازمندبودن وام‌گیرنده و استفاده بی درنگ او)

– به جریان افتادن وجوه راکد

– تأثیر قرض بر تثبیت اقتصادی از طریق تأثیر آن بر پس‌انداز ملی

– استفاده از انگیزه‌های معنوی جهت افزایش پس‌انداز (کمیجانی و هادوی‌نیا، ۱۳۷۷)

۶-۳. قرض‌الحسنه و خلق پول

سپرده دیداری از سپرده‌های پس‌انداز و مدت‌دار دارای قدرت نقدینگی بسیار بیشتری است، زیرا منشأ انتشار آن اراده صاحب حساب می‌باشد. بنابراین، هرگاه بانک‌ها یا مؤسسات اعتباری اقدام به قبول سپرده جاری و افتتاح حساب جاری نمایند قادر خواهند بود که پول تحریری خلق کنند.

۶-۴. قرض‌الحسنه و سایر متغیرها

در خصوص رابطه قرض‌الحسنه با اشتغال و تورم می‌توان چنین اظهار کرد که قرض‌الحسنه می‌تواند به مصرفی و تولیدی تقسیم شود. بنابراین، اگر این وجوه صرف خرید کالاهای مصرفی ضروری شود، تقاضا برای کالاهای ضروری افزایش می‌یابد و اگر عرضه این کالاها با کشش باشد مازاد تقاضا موجب افزایش قیمت و بلافاصله باعث افزایش تقاضا برای کار و در نتیجه افزایش اشتغال، افزایش تولید و بازگشت قیمت به میزان اولیه می‌شود. اما اگر عرضه این نوع کالاها بی‌کشش باشد تنها اثر قرض‌الحسنه، افزایش قیمت کالاهای مزبور و تورم خواهد بود. البته حکومت اسلامی موظف است که همراه با گسترش نهاد قرض‌الحسنه زمینه‌ای فراهم آورد تا همگام با افزایش تقاضا برای کالاهای مزبور تولید آنها نیز افزایش یابد.

در قرض‌های تولیدی نیز چون بدون واسطه، وجوه وام‌گرفته شده به تأسیس یا گسترش نهاد تولیدی اختصاص می‌یابد می‌توان انتظار داشت که اشتغال افزایش یابد. در این مورد هم دولت باید شرایطی را ایجاد کند تا این وجوه باعث نشود که در مؤسسه‌های تولیدی، سرمایه جایگزین کار شود. البته چون قرض‌الحسنه‌های تولیدی به مراکز تولیدی کوچک و نیازهای ضروری آنها اختصاص می‌یابد انتظار افزایش اشتغال به واسطه آن بیجا نیست.

در مورد قرض‌الحسنه و تولید و تأمین نیازهای اساسی نیز می‌توان گفت که با توجه به اینکه فرد مسلمان موقعی متقاضی وام می‌شود که نیاز ضروری به آن داشته باشد قرض‌الحسنه موجب می‌شود تا تقاضا برای کالاهای اساسی افزایش یابد و با افزایش تقاضا و سودآورتر شدن تولید این نوع کالاها انتظار می‌رود، الگوی تولید کشور به سمت کالاهای اساسی جریان یابد که همین امر زمینه را برای توسعه پایدار متناسب با جوامع توسعه‌نیافته به‌ویژه جوامع اسلامی فراهم می‌کند (حبیبیان‌نقیبی، ۱۳۸۱).

۷. نقش دولت در قرض‌الحسنه

قرض‌الحسنه علاوه بر هزینه‌هایی که هر مؤسسه دارد ریسک عدم بازپرداخت را نیز به دنبال دارد اگرچه با تمهیداتی که در نظر گرفته می‌شود تا حدودی جلوی ریسک گرفته می‌شود اما بخش خصوصی باتوجه به انگیزه سودطلبی که دارد نمی‌تواند یا تمایل ندارد که آنرا بر عهده گیرد. همچنین، اگر دریافت‌کننده وام حتی در صورت توانایی نیز از پرداخت وام امتناع ورزد، وام‌دهنده باید به حکومت اسلامی متوسل شود تا دریافت‌کننده وام را به بازپرداخت وام وادار نماید. بنابراین، بجای اینکه دولت اسلامی قرض‌الحسنه را بطور کامل به بخش‌خصوصی واگذار نماید بهتر است بطور مستقیم این وجوه را به صورت کمک‌های بلاعوض و با عوض در اختیار مراکز متکفل قرار دهد تا از یک سو این کار نیکو متکی به روحیات و انگیزه‌های معنوی آحاد مردم در رقابت‌های مثبت بخش‌خصوصی باشد و از سوی دیگر، با تقویت این مراکز و هدایت آنان در راستای اهداف والای حکومت اسلامی از این ابزار مفید استفاده لازم به عمل آید (حبیبیان‌نقیبی، ۱۳۸۱).

۸. نتیجه‌گیری

قرض در لغت به معنای قطع‌کردن با دندان است و مقصود از قرض‌الحسنه، وام نیکویی است که با نیت پاک و صرفاً به دلیل وجود خدا داده می‌شود و اما قرض ربوی قرضی است که در آن زیاده شرط شده باشد و در اسلام چنین قرضی جایز نیست که در مقابل آن قرض‌های بی‌بهره (قرض‌الحسنه) یا کم‌بهره (به عنوان دریافت کارمزد) مورد تأکید قرار گرفته است. در اسلام بیش از دیگر ادیان آسمانی نسبت به برآوردن نیاز نیازمندان (مواری همچون ازدواج، مسکن، اشتغال) توصیه شده است که یکی از راه‌های برآورد نیاز دادن قرض‌الحسنه است. از این رو، مسلمانان بصورت اختیاری و بدون توقع هیچ سودی اقدام به انجام آن می‌کنند اجر اخروی این کار به عنوان یک انگیزه قوی در پرداخت قرض‌الحسنه نقش مهمی را ایفا می‌کند. بنابراین، تفاوت قرض‌الحسنه با مواردی همچون خرید و فروش، اجاره، مشارکت که با انگیزه سود همراه است آشکار می‌گردد.

قرض‌الحسنه موجب می‌شود فاصله طبقاتی در جامعه کاهش یابد. از این رو، می‌توان گفت نظام اقتصادی اسلام قرض‌الحسنه را به عنوان یکی از شیوه‌ها و ابزارهای مؤثر برای کاهش نابرابری توزیع درآمد در نظر گرفته است تا با برقراری جریان پول از طبقات ثروتمند به سمت طبقات کم درآمد و ایجاد زمینه‌های مناسب بتواند در جهت تثبیت درآمدها بین نیازمندان و عدم تمرکز ثروت در دست عده‌ای معدود گام بلندی را بردارد. از نتایج دیگر بدست آمده از نهاد قرض‌الحسنه

می‌توان به آثار مثبت قرض‌الحسنه در تأمین نیازهای اجتماعی، مصرف، پس‌انداز، خلق پول و سایر متغیرها اشاره نمود که اگرچه نظارت و هدایت حکومت اسلامی شرط لازم و ضروری موفقیت قرض‌الحسنه می‌باشد، اما بهتر است این وجوه به صورت کمک‌های بلاعوض و باعوض در اختیار مراکز متکفل این امر قرار گیرد تا از صبغه مردمی بودن آن کاسته نشود.

منابع

اخوی، احمد(۱۳۷۴)، *اقتصاد کلان*، مؤسسه مطالعات و پژوهش‌های بازرگانی، ویرایش دوم، چاپ اول، ص ۷۱.

امام خمینی، *تحریرالوسیله*، بی‌چا: مکتبه‌العلمیه‌الاسلامیه، جلد ۱.

حبیبیان‌نقیبی، مجید (۱۳۸۱)، "قرض‌الحسنه و راهبردهای توسعه اقتصادی"، *فصلنامه نامه مفید*، شماره ۳۱.

حیدری‌خراسانی، محمدجواد و صدیقه صالحی‌نژاد (۱۳۸۳)، *بررسی قرض و آثار و احکام آن در فقه و حقوق*، پایان‌نامه کارشناسی‌ارشد رشته فقه و مبانی حقوق اسلامی، دانشگاه قم، ص ۱.

دورنبوش، رودیگر و استانلی فیشر (۱۳۷۱)، *اقتصاد کلان*، ترجمه محمدحسین تیزهوش‌تابان، تهران: انتشارات سروش، چاپ اول، ص ۲۸۱.

رادمنش، غلامحسین(۱۳۴۳)، *پس‌انداز در اقتصاد جدید*، تهران، چاپ اول، ص ۹۳.

راهب، مهدی(۱۳۷۷)، *تأمین اجتماعی*، مشهد: دانشگاه امام رضا(ع)، صص ۱۸۶-۱۸۵.

طبرسی، ابی‌علی‌الفضل‌بن‌الحسین (۱۴۰۸)، *مجمع‌البیان*، بیروت: دارالمعرفه، جلد ۲، ص ۶۰۶.

قرشی، سیدعلی‌اکبر (۱۳۵۳)، *قاموس قرآن*، تهران: دارالکتب‌الاسلامیه.

کمیجانی، علی‌اکبر و علی‌اصغر هادوی‌نیا (۱۳۷۷)، "درآمدی بر جایگاه قرض‌الحسنه در اسلام و اثرات اقتصادی آن"، *فصلنامه نامه مفید*، شماره ۱۴، صص ۲۳۹-۲۳۶.

محمدغفاری، حسن (۱۳۸۵)، "بررسی تأثیر قرض‌الحسنه بر توزیع درآمد"، *دانش‌پژوهان*، شماره ۹.

منتظرظهور، محمود (۱۳۶۷)، *اقتصاد*، انتشارات دانشگاه تهران، چاپ هفتم، ص ۲۶۶.

میرمعزی، سیدحسین(۱۳۷۷)، "ترسیم نظام اقتصادی اسلام براساس مکتب اقتصادی آن"، *فصلنامه نامه مفید*، شماره ۱۴، ص ۲۱۸.

نمازی، حسین (۱۳۷۴)، *نظام‌های اقتصادی*، دانشگاه شهید بهشتی، چاپ اول، ص ۲۴۵.

هادوی‌نیا، علی‌اصغر (۱۳۷۸)، *قرض‌الحسنه و آثار اقتصادی آن*، قم: پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی، چاپ اول، صص ۸۸-۵۵.

هادوی‌نیا، علی اصغر (۱۳۸۰)، "اوراق قرض‌الحسنه"، *فصلنامه تخصصی اقتصاد اسلامی*،شماره ۴.

استفتائات صورت گرفته از حضرت آیت الله خامنه‌ای، آیت‌الله صافی‌گلپایگانی و آیت‌الله سبحانی در مورد سپرده‌های بانکی و صندوق‌های قرض‌الحسنه.

Paul, A. Samalson & Willam D. Nordhous (1991), *Economics*, Fourtenth Edition, Mc Graw – Hill, P. 443.